آرمان ملی
armanmeli.ir
سال هشتم
شماره ۲۵۱۳
شنبه
۰۹ • ۰۸ • ۱۴۰۵
۲۰ جمادی‌الاول ۱۴۴۸ / ۳۱ اکتبر ۲۰۲۶

ذره بین

روایت حسن رسولی

از تحولات میان ایران و آمریکا

پایان «نه جنگ، نه صلح» نیازمند دیپلماسی فعال است

یک فعال سیاسی اصلاح‌طلب درباره پیامدهای تداوم وضعیت «نه جنگ، نه صلح» بر امنیت ملی، اقتصاد و انسجام اجتماعی اظهار داشت: وضعیت کنونی میان ما، متجاوزان آمریکایی و رژیم صهیونیستی، شرایطی ناپایدار، بلاتکلیف و بسیار زیان‌بار برای منافع ملی است. آثار تهدید به جنگ، همچنان بر اقتصاد، روان اجتماعی، امنیت روانی و فضای عمومی کشور سایه افکنده و جامعه را در شرایط عدم قطعیت قرار داده است. ایرنا نوشت؛ سیدحسن رسولی گفت: هزینه‌های مترتب بر این بلاتکلیفی به‌صورت خاموش، لطمات اساسی به منافع عمومی ایران وارد می‌کند؛ از این رو باید هرچه سریع‌تر و متناسب با درک واقعیات صحنه نظامی، سیاسی و معادلات منطقه‌ای و جهانی، با به‌کارگیری تمامی ابعاد قدرت ملی به این وضعیت ناپایدار پایان داد و به صلح شرافتمندانه‌ای دست یافت. وی افزود: تا اینجای کار و پس از دو جنگ ۱۲ روزه و ۳۹ روزه در مواجهه با دو کشور اتمی و یک ابرقدرت مطلق، متجاوزان نتوانسته‌اند به هیچ‌یک از اهداف از پیش تعیین‌شده خود نظیر تغییر نظام سیاسی، تجزیه و بی‌ثباتی در ایران دست یابند. نایب رئیس جبهه اصلاحات بیان کرد: جمهوری اسلامی ایران به لطف الهی، توان رزمندگان، برکت خون شهدا و در صدر آنان رهبر شهیدمان، به‌رغم تمامی هزینه‌ها، از آنجاکه دشمن در دستیابی به اهدافش ناکام مانده است، به پیروزی دفاعی دست یافته و در موضع برتر قرار دارد. رسولی ادامه داد:: امروز علاوه بر قدرت نظامی و تاب‌آوری مردمی که به‌رغم مشکلات ناشی از گرانی و تورم آگاهانه پای ایران ایستاده‌اند، در وضعیت مناسبی قرار داریم. عضو بنیاد امید ایرانیان عنوان کرد: چنانچه بتوانیم با تداوم این پایداری، شرایط را برای دستیابی به یک پایان شرافتمندانه برای جنگ و گام برداشتن در مسیر توسعه کشور فراهم کنیم، می‌توان امیدوار بود که آینده بهتری فراروی ملت ایران قرار گیرد. استاندار خراسان رضوی در دولت اصلاحات اظهار کرد: ما در عرصه داخلی تجاوز را دفع کرده‌ایم و در عرصه منطقه‌ای تثبیت شده که ایران قدرتی تعیین‌کننده است و در معادلات جهانی نیز اثبات شده که ایران قابل حذف از جغرافیای نظامی منطقه نیست. وی در ارائه راهکار برای پایان وضعیت «نه جنگ، نه صلح» گفت: «تفاهم اسلام‌آباد» سند بالادستی مطلوبی است؛ هرچند به دلیل نقض‌های صورت‌گرفته نمی‌تواند پایان‌دهنده منازعه جاری باشد، اما از آنجاکه قویترین سند تاریخ دیپلماسی کشور با امضای دو رئیس جمهور است، پیمودن باقیمانده مسیر دیپلماتیک برای دستیابی به صلح عزتمندانه همچنان اعتبار دارد. عضو دوره پنجم شورای شهر تهران افزود: همچنین با در نظر گرفتن تحولات دیپلماتیک و رفت‌وآمدهای جاری، چنانچه بتوانیم یکی از قدرت‌های بزرگ جهانی را در مقام میانجی و تضمین‌کننده وارد این معادله کنیم، شاید بتوانیم به نتایج بهتری دست یابیم. به‌طور مشخص، منظور از این قدرت بزرگ، چین است؛ زیرا ۷۰ تا ۸۰ درصد انرژی این کشور از خلیج فارس تأمین می‌شود و ناامنی حاکم بر اقتصاد و حمل‌ونقل انرژی در منطقه، به اقتصاد چین نیز لطمه زده است.

میانجیگری چین

رسولی تاکید کرد: با توجه به رقابت‌های راهبردی میان آمریکا و چین و مواضع مثبت آقای شی مبنی بر به رسمیت شناختن استقلال و مرزهای کشورها، محکومیت تجاوز به ایران و تمایل به برقراری امنیت انرژی اگر دامنه میانجیگری از قطر و پاکستان توسعه یابد و چین نیز وارد قضیه شود، می‌تواند هم در کوتاه‌مدت و هم در بلندمدت بسیار مؤثر باشد. عضو جبهه اصلاحات ایران افزود: البته چین نیز مانند هر کشور دیگری به دنبال منافع ملی خود است، اما اگر ما آمادگی خود را برای مشارکت در یک پیمان امنیت جمعی در منطقه خاورمیانه با حضور چین اعلام کنیم، فلسفه وجودی نیروهای آمریکایی و خارجی در منطقه به‌کلی زیر سوال خواهد رفت. این فعال سیاسی اذعان کرد: به اعتقاد من ایجاد چنین وضعیتی در عرصه دیپلماتیک، به پایان عزتمندانه جنگ کمک خواهد کرد. خوشبختانه طی روزهای اخیر برخی مقامات کشورها، از جمله وزیر امور خارجه قطر و دیگر مقامات، نسبت به این راهکار اظهار خوش‌بینی کرده‌اند. وی تصریح کرد: امیدوارم از طریق توسعه دامنه میانجی‌ها بتوانیم این پیروزی دفاعی را که در عرصه نظامی به دست آمده، به دستاوردی راهبردی و ماندگار برای کمک به توسعه ایران تبدیل کنیم. عضو جبهه اصلاحات ایران در پاسخ به اینکه چرا پایان درگیری نظامی لزوماً به معنای برقراری صلح پایدار نیست، عنوان کرد: درگیری در ادبیات نظامی می‌تواند به معنای آتش‌بس یا توقف موقت مبادله آتش باشد که هیچ‌کدام ما را از وضعیت «نه جنگ، نه صلح» خارج نمی‌کند. رسولی ابراز کرد: ما باید به سمتی حرکت کنیم که در کوتاه‌مدت به یک موافقت‌نامه صلح همه‌جانبه دست یابیم و در بلندمدت تثبیت شود که ایران کشوری نیست که با اقدامات نظامی قابل ویرانی و آسیب باشد.

«آرمان ملی» مباحث پیرامون تغییر دکترین هسته‌ای را بررسی می‌کند

بازنگری در راهبرد هسته ای؟

حاج علی‌اکبری: تغییر دکترین هسته‌ای مطالبه ملی است

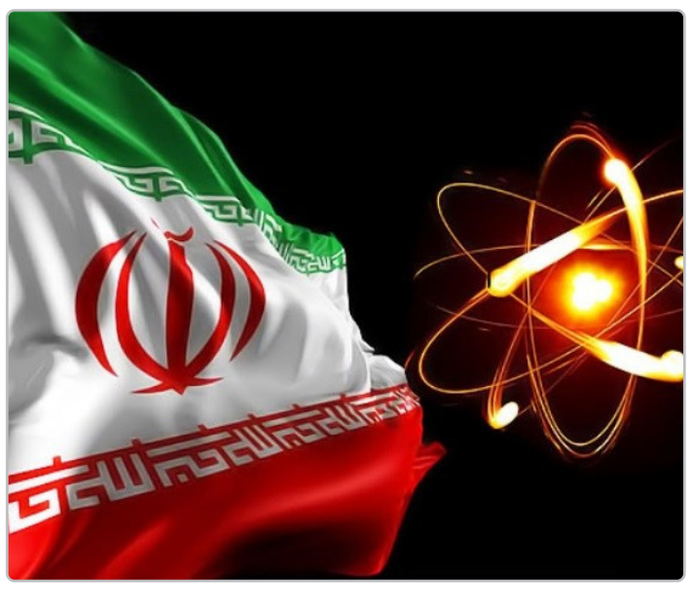

آرمان ملی- حمید شجاعی: پرونده هسته‌ای ایران در مقاطع گوناگون همواره با فراز و فرودها و چالش‌هایی همراه بود و یکی از مسائلی بوده که طی چند دهه اخیر نه تنها حل و فصل نشده بلکه همچنان محل مناقشه میان ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است. پرونده‌ای که نشان‌دهنده پایبندی ایران به توافقات مختلف در قبال پرونده هسته‌ای است که دبیرکل‌های مختلف آژانس بدان تاکید داشته‌اند و در سمت دیگر نشان‌دهنده بدعهدی، بی‌مسئولیتی و عدم پایبندی آژانس به تعهداتش در قبال ایران و اقدامات سیاسی چون صدور قطعنامه علیه کشورمان تحت فشار آمریکا و اروپایی‌ها است. در چنین شرایطی ایران هیچگاه خلاف آنچه بر مبنای موازین بین‌المللی بوده عمل نکرده است. نمونه واضح این امر توافق برجام بود که ایران به وظایف و تعهدات خود ذیل توافق عمل کرد و زمانی که آمریکا به بهانه‌های واهی از این توافق خارج شد و اروپایی‌ها نیز استیصال خود را از احیای توافق نشان دادند، ایران در اقدامی متقابل گام‌های عقب‌نشینی خود را از تعهدات در پرونده هسته‌ای آغاز کرد. جالب اینکه ایران همواره پذیرای مذاکره بوده و هیچگاه پنجره دیپلماسی را نبسته است، اما همان‌هایی که مدام دم از دیپلماسی و گفت‌وگو می‌زنند دو بار در دو مقطع متفاوت در جریان مذاکرات با حمله به ایران میز مذاکره را منفجر کردند تا نشان دهند مذاکره نیز بخشی از برنامه آنها برای خرید وقت در جهت ارزیابی و حمله بعدی بوده است. چه اینکه مرور بر نوع رویکردها و اظهارات غربی‌ها در قبال ایران به وضح نشان می‌دهد که آنها هیچگاه به طور جدی دنبال مذاکره و حصول توافق با ایران نبوده و مذاکره برایشان جنبه فریب طرف مقابل را داشته است. با این حال ایران باز هم پنجره دیپلماسی را نبسته است و هم اکنون نیز با وجود تحلیل‌های متفاوت، همچنان پذیرای میانجی‌هایی است که دنبال شرایطی برای از سرگیری گفت‌وگوها و بازگشت طرفین به میز مذاکره هستند. این در شرایطی است که بخشی از جامعه و جریانات سیاسی نه تنها دیگر به مذاکره معتقد نیستند بلکه حتی بودن در NPT را نیز برنمی‌تابند و خواهان خروج از این توافق هستند. چنان که اخیرا جبهه پایداری طی بیانیه‌ای رسما خواستار این اقدام شد و پیش از او نیز حسینعلی حاجی‌دلیگانی نماینده مجلس از آماده‌سازی طرح ۳ فوریتی برای خروج از برجام خبر داده بود. اما این پایان ماجرا نبوده و این جریان در گامی به پیش چندی است خواستار تغییر دکترین هسته‌ای کشور و ساخت بمب هسته‌ای شده‌اند. اقدامی که رهبری شهید همواره نسبت به آن موضع منفی داشتند و دکترین هسته‌ای کشور نیز از همین رو در زمان حیات ایشان تغییری نمی‌کرد.

۲ گزاره مهم

بحث تغییر دکترین هسته‌ای ایران تاکنون چندین بار مطرح شده است و چهره‌های مختلف و بعضا مسئولان امر نیز در این باب به اظهار نظر پرداخته‌اند، اما این رویه‌ها هیچگاه به سمت و سویی نرفت که اقدامی عملی در راستای تغییر دکترین هسته‌ای ایران صورت پذیرد و صرفا در سطح نظری باقی ماند. حال اما اکنون که جریانی دنبال این معنا است و از ظرفیت تجمعات شبانه برای طرح این موضوع استفاده می‌کند، باید مشخص شود که این صرفا خواسته آنها و حامیانشان است یا اینکه به طورکلی جامعه خواستار تغییر دکترین هسته‌ای است. از طرفی در خصوص این موضوع در میان نخبگان شاهد اجماع نیستیم و نظرات مختلفی مطرح می‌شود که نهایتا نشان دهنده اختلافات در این مقوله است. در چنین شرایطی ابتدا باید پس از بررسی‌های بسیار راجع به این موضوع فرصت‌ها و تهدیدهایی که از آن ناشی می‌شود، نهایتا اجماع در سطح نخبگان شکل بگیرد و یا همه معتقد به این تغییر باشند و از آن حمایت کنند یا اینکه با در نظر گرفتن هزینه فایده‌های موضوع با آن مخالفت کنند و دیگر پیگیری در این خصوص صورت نگیرد. از سوی دیگر پر واضح است که وقتی دعوت از نخبگان برای بیان نظراتشان مطرح می‌شود مقصود موافقان ماجرا است تا در تایید آن وارد شوند. اگر نه حضور مخالفان برای طرحان این مساله محلی از اعراب ندارد و این هرچه باشد اجماع نخبگانی در سطح ملی نخواهد بود. از طرفی موضوع مهم‌تر بحثی است که بارها مطرح و درباره آن صحبت شده است؛ پروژه نفوذ که بابت آن کشور خسارت کمی هم پرداخت نکرده است. قرار دادن این مساله مهم در کنار مساله حفره‌های امنیتی که چند ماه پیش سیدعباس عراقچی وزیر امور خارجه در گفت‌وگویی بدان اشاره کرد نشان می‌دهد که برای هر اقدام مهمی در کشور از جمله تغییر دکترین هسته‌ای باید این موضوع به سرعت حل و فصل شود تا باز هم از این ناحیه ضربه نخوریم. تا زمانی که این دوگام یعنی نخست اجماع نخبگانی به معنی نخبگان همه جریانات سیاسی و دوم روشن شدن دامنه نفوذ حال و فصل نشود، از طرح مسائلی چون تغییر دکترین هسته‌ای کشور طرفی نخواهد بست. گرچه به نظر می‌رسد این دست اظهارات و گفته‌ها صرفا با هدف از بین بردن امکان و فرصت مذاکره مطرح می‌شود اما به هر روی باید در کنار فرصت‌هایی که از کنار این طرح به دست می‌آید، هزینه‌های آن را دید و سپس تصمیم معقولانه گرفت.

خواست ملت؟

ماجرای تغییر دکترین هسته‌ای ایران به نماز جمعه هم کشیده شده و روز گذشته خطیب جمعه تهران با اشاره به واکنش‌ها نسبت به طرح موضوع بازنگری در دکترین هسته‌ای کشور و گفت: «این مطالبه، یک واکنش شتاب‌زده و هیجانی نیست، بلکه حاصل بلوغ و آگاهی ملی است». حجت‌الاسلام حاج‌علی‌اکبری افزود: «دشمنان همه خطوط قرمز ملت ایران را زیر پا گذاشته‌اند، امام ما را به شهادت رسانده‌اند و به تعهدات و قراردادهای خود پایبند نبوده‌اند. ملت ایران در طول سال‌های گذشته تجربه‌ای دردناک از رفتار طرف مقابل داشته و اکنون با آگاهی و بصیرت گسترده، موضوع بازنگری در دکترین هسته‌ای را به‌عنوان یکی از عرصه‌های بازدارندگی و تأمین امنیت ملی مطرح می‌کند». وی با اشاره به این موضوع بیان کرد: «این خواست ملت ایران است و نباید آن را به یک گروه خاص محدود کرد. پیش از این نیز در برخی نظرسنجی‌ها بیش از ۷۰ درصد مردم خواستار تجدید نظر در دکترین هسته‌ای بودند، اما پس از طرح این موضوع، موجی از درخواست‌ها و استقبال از سوی اقشار مختلف مردم، از جمله دانشجویان، دانش‌آموزان، استادان دانشگاه، نخبگان و اصناف شکل گرفت». امام جمعه موقت تهران اظهار کرد: «اکنون با یک مطالبه ملی روبه‌رو هستیم و امیدواریم نخبگان و صاحب‌نظران درباره این موضوع مطالعه و بررسی کنند و پیشنهادها و طراحی‌های خود را ارائه دهند و مسئولان مرتبط نیز باید بررسی‌های تکمیلی را انجام دهند تا پیشنهادها به محضر رهبر معظم انقلاب ارائه شود. در نهایت، هر تصمیمی که رهبر معظم انقلاب تشخیص دهند، مورد تبعیت ما خواهد بود». در همین راستا محمود نبویان نماینده تهران نیز با اشاره به لزوم تولید بمب اتم در ایکس نوشت: «در جمع مردم شریف قم درخواست مجوز ساخت بمب اتم از مقام معظم رهبری را مطرح کردم که با تکبیر و تایید مردم مبعوث شده همراه شد».

«آرمان ملی» سفر نخست‌وزیر عراق به سوریه را بررسی می‌کند

عراق در جست‌وجوی مسیرهای تازه

آرمان ملی: سفر علی فالح الزیدی، نخست‌وزیر عراق، به دمشق در شرایطی انجام شد که مناسبات منطقه‌ای خاورمیانه بیش از گذشته تحت تاثیر جنگ، اختلال در مسیرهای انرژی و تلاش کشورها برای بازتعریف روابط اقتصادی و امنیتی قرار گرفته است. آیا این سفر را به عنوان سفر رسمی نخست‌وزیر عراق به سوریه پس از سقوط حکومت بشار اسد می‌توان دارای پیام سیاسی دانست؟ روشن است که اگرچه این سفر در ظاهر با هدف توسعه روابط دوجانبه انجام شده، اما پیامدهای آن می‌تواند از مرزهای دو کشور فراتر برود. دیدار الزیدی با احمد الشرع، رئیس جمهور سوریه، با محوریت همکاری‌های اقتصادی، نفتی، امنیتی و تجاری انجام شد. دو طرف درباره احیای خط لوله نفت عراق به بندر بانیاس، توسعه مسیرهای ترانزیتی، افزایش مبادلات تجاری، همکاری کشاورزی و هماهنگی امنیتی در مرزهای مشترک گفت‌وگو کردند. در این میان، احیای مسیر صادرات نفت عراق به مدیترانه، یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که می‌تواند معادلات اقتصادی منطقه را تحت تاثیر قرار دهد.

محدودیت جغرافیایی

عراق در سال‌های گذشته برای صادرات نفت خود با محدودیت‌های جغرافیایی و زیرساختی روبه‌رو بوده است. وابستگی بخش بزرگی از صادرات نفت این کشور به مسیرهای جنوبی، آسیب‌پذیری اقتصاد عراق را در برابر بحران‌های منطقه‌ای افزایش داده است. اختلال در تردد دریایی پس از آغاز جنگ ضرورت یافتن مسیرهای جایگزین را برای بغداد برجسته‌تر کرد. در چنین شرایطی، مسیر سوریه و دسترسی به ساحل مدیترانه، برای عراق اهمیتی فراتر از یک پروژه انتقال نفت پیدا می‌کند. دو کشور پیش‌تر درباره احیای زیرساخت‌های نفتی و انجام مطالعات فنی و مالی برای توسعه ظرفیت صادراتی توافق کرده بودند. در طرح مطرح‌شده، ظرفیت خط لوله جدید تا دو میلیون بشکه در روز عنوان شده است؛ ظرفیتی که تحقق آن می‌تواند جایگاه سوریه را در شبکه انرژی منطقه ارتقا دهد. البته این پروژه هنوز با موانع مالی، فنی، امنیتی و اجرایی مواجه است و نباید توافق‌ها و مطالعات را معادل تحقق یک مسیر صادراتی کامل دانست. با این حال، نفس حرکت عراق به سوی تنوع‌بخشی به مسیرهای صادراتی، حامل پیامی روشن است: بغداد نمی‌خواهد امنیت اقتصادی خود را به یک مسیر محدود گره بزند.

پیامدهای اقتصادی

توسعه روابط عراق و سوریه می‌تواند از دو جهت برای ایران اهمیت داشته باشد. از یک سو، افزایش ظرفیت صادراتی عراق و دسترسی آن به مدیترانه، ممکن است اهمیت نسبی برخی مسیرهای تجاری و ترانزیتی منطقه، از جمله گزینه‌های عبوری از ایران، را کاهش دهد. از سوی دیگر، شکل‌گیری شبکه‌های تازه حمل‌ونقل و تجارت می‌تواند فرصت‌هایی برای توسعه مبادلات منطقه‌ای ایجاد کند که ایران نیز قادر به بهره‌گیری از آنها باشد. بنابراین، نمی‌توان توسعه مسیر سوریه را به‌خودی خود اقدامی علیه ایران دانست، اما اگر بغداد و دمشق بتوانند با حمایت سرمایه‌گذاران خارجی، زیرساخت‌های انرژی و ترانزیتی خود را گسترش دهند، ممکن است بخشی از مزیت‌های اقتصادی و جغرافیایی منطقه بازتعریف شود. در این میان، رقابت دیگر صرفا بر سر فروش نفت نیست؛ بلکه بر سر دسترسی به بازارها، مسیرهای انتقال کالا و سهم از درآمدهای ترانزیتی نیز جریان دارد.

معادله نفوذ و امنیت

اهمیت سفر الزیدی به دمشق، تنها به اقتصاد محدود نمی‌شود. دولت عراق در شرایط جدید منطقه‌ای می‌کوشد روابط خود را با کشورهای عربی و همسایگان گسترش دهد و از گرفتار شدن در رقابت قدرت‌های منطقه‌ای جلوگیری کند. نزدیکی بغداد و دمشق نیز در همین چارچوب قابل ارزیابی است. برای ایران، این روند می‌تواند به معنای تغییر تدریجی محیط سیاسی و امنیتی پیرامونی باشد. سوریه پس از سقوط اسد در حال بازسازی روابط خارجی خود است و عراق نیز به دنبال تثبیت موقعیت یک بازیگر مستقل منطقه‌ای است. اگر همکاری‌های امنیتی دو کشور به تقویت کنترل مرزها، مقابله با داعش و کاهش فعالیت گروه‌های مسلح خارج از کنترل دولت‌ها منجر شود، بخشی از ترتیبات امنیتی گذشته ممکن است دستخوش تغییر شود. با این حال، تقویت دولت مرکزی عراق یا توسعه همکاری امنیتی آن با سوریه را نباید الزاماً معادل تضعیف ایران دانست. ثبات عراق و کاهش احتمال گسترش درگیری‌های منطقه‌ای، در شرایطی که ایران نیز با فشارهای امنیتی و اقتصادی روبه‌روست، می‌تواند در خدمت منافع ملی کشور قرار گیرد. آنچه برای تهران اهمیت دارد، تفاوت میان محدود شدن برخی اشکال نفوذ و از دست رفتن منافع راهبردی است؛ دو موضوعی که لزوما یکسان نیستند.

نظم منطقه‌ای

یکی از پیام‌های مهم این سفر، تلاش عراق و سوریه برای پیوند دادن ظرفیت‌های خود به شبکه گسترده‌تری از ارتباطات منطقه‌ای است. ارتباط احتمالی بندر فاو عراق با بنادر سوریه، توسعه مسیرهای زمینی و همکاری با ترکیه، اردن و عربستان، می‌تواند در صورت تحقق، ساختار تازه‌ای از مبادلات تجاری ایجاد کند. نگرانی برای ایران، نه توسعه روابط همسایگان بلکه احتمال شکل‌گیری ترتیباتی است که در طراحی و اجرای آن نقشی نداشته باشد. اگر مسیرهای انرژی، تجارت و همکاری امنیتی منطقه بدون مشارکت ایران تثبیت شوند، تهران ممکن است در برخی حوزه‌ها با کاهش قدرت اثرگذاری مواجه شود. بر این اساس احتمالا ایران دیدگاه‌های خود را به عراق انتقال داده یا خواهد داد. در هر صورت امکان اینکه ایران نسبت به چنین تغییراتی بی‌توجه باشد، وجود ندارد. البته روشن است، سیاستی که بر مخالفت با هرگونه نزدیکی کشورهای منطقه به یکدیگر استوار باشد، نه عملی است و نه لزوما در خدمت منافع ملی. ایران می‌تواند با تقویت پیوندهای اقتصادی با عراق، توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل و پیشنهاد همکاری‌های مشترک، جایگاه خود را در ترتیبات جدید حفظ کند. سفر نخست‌وزیر عراق به دمشق را باید بیش از آنکه نشانه شکل‌گیری ائتلافی علیه ایران دانست، علامتی از تغییر منطق روابط منطقه‌ای تلقی کرد؛ منطقی که در آن، کشورها برای کاهش آسیب‌پذیری خود و افزایش گزینه‌های اقتصادی و امنیتی تلاش می‌کنند. برای ایران نیز مسئله اصلی، جلوگیری از این تغییر نیست بلکه حضور موثر در نظمی است که در حال شکل‌گیری است. در منطقه‌ای که مسیرهای تازه قدرت را تعیین می‌کنند، حفظ نفوذ بدون ساختن منفعت مشترک، دشوارتر از گذشته خواهد بود.

گزارش

نگاه ترامپ به مواجهه با ایران

طرح دیوانه‌وار یا نزدیک به توافق

به نظر می‌رسد ترامپ اکنون رویکردی دوگانه را دنبال می‌کند: او هم‌زمان برای دستیابی به توافقی جهت ازسرگیری مذاکرات صلح تلاش می‌کند و در عین حال، خود را برای احتمال ازسرگیری عملیات‌های رزمی گسترده پس از انتخابات میان‌دوره‌ای آماده می‌سازد. اکوایران نوشت؛ منابع آگاه به روزنامه وال استریت ژورنال گفته‌اند، فرمانده ارشد ایالات متحده در خاورمیانه با حضور در کاخ سفید، دونالد ترامپ را در جریان گزینه‌های نظامی علیه ایران قرار داد. این دیدار حضوری در حالی انجام شد که ایالات متحده در حال بررسی امکان ازسرگیری عملیات نظامی است. در این جلسه، علاوه بر دریادار برد کوپر، فرمانده سنتکام، پیت هگست، وزیر دفاع و ژنرال دن کین، رئیس ستاد مشترک ارتش، نیز حضور داشتند. به گفته برخی از منابع، دیگر اعضای کابینه نیز در این نشست شرکت داشتند و موضوعاتی همچون تداوم محاصره مورد بحث قرار گرفت. به گفته یکی از این منابع، این نشستِ سطح بالا در پی جلسه‌ای دیگر در کاخ سفید برگزار شد که طی آن، مقامات نظامی با جی‌دی ونس، معاون رئیس جمهور، دیدار کرده بودند.

رویکردی دوگانه

دو مقام آمریکایی هم به آکسیوس گفته‌اند، دریاسالار برد کوپر گزارشی درباره وضعیت جنگ با ایران به ترامپ ارائه کرد. تمرکز این گزارش بر محاصره دریایی در حال اجرا بود. به نوشته راوید، اکنون به نظر می‌رسد ترامپ رویکردی دوگانه را دنبال می‌کند. او هم‌زمان برای دستیابی به توافقی جهت ازسرگیری مذاکرات صلح تلاش می‌کند و در عین حال، خود را برای احتمال ازسرگیری عملیات‌های رزمی گسترده پس از انتخابات میان‌دوره‌ای آماده می‌سازد. به گفته مقامات آمریکایی، ترامپ در این جلسه می‌خواست مستقیماً از فرمانده سنتکام بشنود که آیا محاصره دریایی مؤثر بوده است یا خیر. کوپر همچنین ترامپ را در جریان عملیات نظامی هدایت نفت‌کش‌ها به خارج از تنگه هرمز و به سمت بازارهای جهانی انرژی قرار داد. علاوه بر این، او گزارشی از روند کارزار فشار اقتصادی ارائه کرد که ارتش با همکاری وزارت خزانه‌داری در حال اجرای آن است. این در حالی است که گروهی از میانجی‌های منطقه‌ای به رهبری قطر در تلاشند تا طرفین را متقاعد کنند که به جای ازسرگیری جنگ پس از انتخابات میان‌دوره‌ای، به سمت مذاکره حرکت کنند. یک منبع منطقه‌ای گفت: «این میانجی‌گری در مرحله بسیار حساسی قرار دارد». میانجی‌های قطری اخیراً نامه‌ای از سوی جی‌دی ونس، معاون رئیس جمهور آمریکا، به محسن رضایی دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران، تحویل دادند. ونس در این نامه پیشنهاد ازسرگیری مذاکرات را مطرح کرد، اما تأکید نمود که هرگونه گفت‌وگویی باید به مسئله برنامه هسته‌ای ایران نیز بپردازد.

جنگ یا توافق؟

به گفته یک منبع آگاه، ترامپ و ونس با هم دیدار کردند تا درباره یک اقدام احتمالی حسن نیت در قبال ایران مانند ارسال اقلام بشردوستانه نظیر مواد غذایی و دارو گفت‌وگو کنند. تام باراک، سفیر ایالات متحده در ترکیه، به سی‌ان‌ان گفت که آمریکا و ایران برای دستیابی به توافقی جهت کاهش تنش‌ها بسیار نزدیک شده‌اند. پیش از این وال استریت ژورنال گزارش داده بود که مقامات دولت ترامپ به کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس گفته‌اند که باید برای یک کارزار نظامی کوتاه اما شدید پس از انتخابات میان‌دوره‌ای آماده باشند. این روزنامه همچنین نوشت که جی‌دی ونس در تلاشی برای احیای مذاکرات صلح، اقدام به ارسال نامه به یکی از مقامات ایران کرده است. این گفت‌وگوها در کاخ سفید در حالی صورت می‌گیرد که برخی از اعضای کنگره آمریکا ابراز نگرانی کرده‌اند که ترامپ ممکن است به‌زودی درگیری با تهران را از سر بگیرد. سناتور کریس مورفی، دموکراتِ ایالت کنتیکت که گفته است پیش‌تر در جریان برخی از این طرح‌های طبقه‌بندی‌شده قرار گرفته بود این برنامه‌ها را دیوانه‌وار توصیف کرد. مورفی در نشستی در مؤسسه خاورمیانه گفت: «این کار به تشدید ویرانگر تنش‌ها و احتمالاً نابودی پایبندی ما به حاکمیت قانون منجر خواهد شد». ایران به طور علنی و همچنین در پیام‌های دیپلماتیکِ غیرعلنی هشدار داده که در واکنش به هرگونه حمله از سوی ایالات متحده، طیف گسترده‌ای از اهداف متعلق به آمریکا و کشورهای حوزه خلیج فارس را در منطقه هدف قرار خواهد داد. تهران همچنین با استفاده از قطعات ذخیره شده در تأسیسات زیرزمینی، تولید موشک‌های بالستیک را از سر گرفته و تلاش‌های خود را برای هدف قرار دادن نیروهای آمریکایی در خاورمیانه تشدید کرده است. پنتاگون در هفته‌های اخیر با ارسال سامانه‌های پدافند هوایی، مهمات و تدارکات بیشتر به خاورمیانه، زمینه را برای یک کارزار جدید فراهم کرده است. به گزارش وال استریت ژورنال، این نهاد برخی از نیروهای نظامی را از پایگاه‌های آسیب‌پذیر به مکان‌های امن‌تر منتقل کرده است.

تغییر احتمالی

نکته قابل توجه اینکه نامه ونس نه برای قالیباف یا عباس عراقچی، بلکه برای رضایی ارسال شد زیرا واشنگتن بر این باور است که قدرت تصمیم‌گیری در دست کسانی است که بیشترین نزدیکی را به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دارند. در عمل، ایران تلاش می‌کند تا تصمیمات را از طریق اجماع در بالاترین سطح حکومت و در قالب کمیته‌ای متشکل از شش عضو کلیدی اتخاذ کند. در این رابطه، حمیدرضا عزیزی، تحلیلگر مسائل ایران در گروه بین‌المللی بحران، به شبکه الجزیره گفت که اقدام ونس در ارسال نامه خطاب به رضایی، حائز اهمیت است و می‌تواند نشان‌دهنده تغییری احتمالی در دیدگاه واشنگتن نسبت به کانون‌های قدرت و نفوذ در تهران باشد. او گفت: «این موضوع می‌تواند بیانگر آن باشد که آمریکایی‌ها معتقدند تغییرات در پویایی‌های قدرت داخلی تهران، چشم‌انداز بهتری را برای دستیابی به نتایج از طریق تعامل مستقیم با رضایی فراهم کرده است». ونس همواره نسبت به ترامپ، تمایل کمتری به درگیری نظامی طولانی‌مدت با ایران نشان داده است.